

مسافران انگلیسی در ایران در دوران قاجار و کتابهایشان

نوشته سردیس رایت

ترجمه دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی

سفری به شیراز از راه کازرون و فیروزآباد با اشاره‌هایی
گونگون به رفتارها، مراسم، قوانین، زبان و ادبیات ایرانیان که
تاریخ ایران از مرگ کریم خان تافرو پاشی دو دمان زنده به آن
افزوده شده است.

ترس از خطر فرانسویان برای هندو در نخستین سالهای
حکومت قاجار باعث نخستین مأموریت جان مالکوم (John
Malcolm) به ایران در ۱۸۰۰ و وودسوار فور دجونز (Sir
Harford Jones) به تهران در فوریه ۱۸۰۹ به منظور برقراری
روابط دیپلماتیک دائمی با دربار قاجار و مذاکره دربارهٔ پیمان اتحاد
شد. هر دو دربارهٔ مسافرت و تجربه‌هایشان در ایران کتاب
نوشته‌اند.^۳

جیمز موریه (James Morier)، شهروند بریتانیا که حتی
یک قطره خون انگلیسی در رگهایش نبود، همراه فور دجونز
و بعنوان منشی او به تهران سفر کرد. آنان چهار ماه در راهی که
در آن زمان راه عادی به شمار می‌رفت گذراندند: با کشتی از
دماغه امید نیک گذشتند و به بمبئی رفتند؛ سپس با کشتی به
سوی خلیج فارس و بوشهر رفتند و پس از مدتی توقف از راه
شیراز و اصفهان و از جاده‌های مال رو و طاقت فرسای تهران
رسیدند. موریه در اواخر ۱۸۰۹ دوباره بار سفر بست و همراه
میرزا ابوالحسن شیرازی فرستادهٔ ایران راهی لندن شد. آن دواز
راه زمینی به تبریز و ترکیه رفتند و سپس سوار کشتی شدند و
مدیترانه را تا بندر فالموث (Falmouth) پیمودند. موریه و

ادبیات انگلیسی بیش از ادبیات هر کشور دیگری از
سفر نامه‌ها دربارهٔ ایران قاجاری غنی است. علت آن ساده
است و از این واقعیت مایه می‌گیرد که در آن دوران بریتانیا بیش از
هر قدرت دیگری، جز روسیه تزاری، به ایران توجه داشته
است. کمپانی هند شرقی و جانشین آن، حکومت انگلیسی
هند، ایران را با چشمانی عقاب مانند از پایگاه‌هایشان در کلکتا و
بمبئی زیر نظر داشتند و در جستجوی اطلاعاتی دربارهٔ کشور،
زماداران و نقشه‌های زمینی آن بودند. بسیاری از مأموران
رسمی آن خواه‌شوری و خواه‌لشگری در ایران خدمت کرده
یا به سر اسیر این کشور سفر کرده بودند؛ همچنان که افراد
ماجر اجوی مستقل نیز دست به چنین کاری زده بودند. برخی
از آنان با تاریخ ایران آشنایی داشتند و به زبان فارسی که در آن
هنگام در دستگاه اداری هندی رواج داشت سخن می‌گفتند. چند
تن از آنان کتابهایی نوشته‌اند که امروز منبع ارزشمندی برای
تاریخنگاران در همهٔ زمینه‌ها به شمار می‌رود.^۲

یکی از نخستین کتابها از این دست، از اسکات و ارینگ (E.
Scott Waring) دانشمند و پژوهشگری است که در دستگاه
اداری بنگال در کمپانی هند شرقی خدمت می‌کرده و در ۱۸۰۲
به علت ناخوشی و نیز کنجکالوی، چهار ماه در شیراز و پیرامون
آن به سر برده بود. کتاب وی که در ۱۸۰۷ منتشر شد، نخستین
مطالعهٔ جدی از سوی یک انگلیسی در دوران قاجار بود. عنوان
دور و دراز کتاب گویای مطالب آن است:

در باره یادمانهای تاریخی که اکنون نابود شده است در اختیار همگان گذاشت. برعکس، اندک شمار کتابهای کوچک مسافرائی نیمه فراموش شده که گاهی گوشه‌هایی از تاریخ را برای کارشناسان فاش کرده‌اند، چندان خریدار نداشته است. از جمله این کتابها شرح ملاقات رابرت کاتن مانی (R.C. Mon-ey) با میرزا ابوالحسن خان در ۱۸۲۴، و کتاب مشترک توماس آلکوک و تی. بی. آرمسترانگ (T. Alcock & T.B. Armstrong)، به نام آقا نوکر است در باره کشته شدن گریبایدوف وزیر مختار روسیه و اعضای سفارتش در ۱۸۲۹ در تهران که چند روز پیش از ورود نویسنده کتاب به پایتخت ایران روی داده بوده است. درباره این رویداد غم‌انگیز، جورج فاولر (G. Fowler)، ماجراجوی مرموزی که در آن هنگام در تبریز بوده با تفصیل بیشتری نوشته است.

چند سال پیش از این رویداد، یک جهانگرد مستقل دیگر به نام جیمز بیلی فریزر (J. Baillie Fraser) بیست و هشت ساله از ایران دیدن کرده بود. وی پس از آنکه از یافتن کاری مناسب در هند نومید شد، در ۱۸۲۱ تصمیم گرفت از راه شهر و تهران، گردش کنان به میهنش باز گردد. در قم بالباس میدل وارد حرم حضرت معصومه [ع] شد ولی در مشهد با کمک یک دوست روحانی تبدیل به یک مسلمان واقعی شد و توانست وارد حرم شود و بی آنکه کسی مزاحمش شود طرچهایی بکشد. فریزر

● ادبیات انگلیسی بیش از ادبیات هر کشور دیگری از سفرنامه‌ها در باره ایران قاجاری غنی است. علت آن ساده است و از این واقعیت مایه می‌گیرد که در آن دوران بریتانیا بیش از هر قدرت دیگری، جز روسیه تزاری، به ایران توجه داشته است. کمپانی هند شرقی و جانشین آن، حکومت انگلیسی هند، ایران را با چشمانی عقاب مانند از پایگاه‌هایشان در کلکته و بمبئی زیر نظر داشتند و در جستجوی اطلاعاتی در باره کشور، زمامداران و نقشه‌های زمینی آن بودند.

میرزا ابوالحسن در ۱۸۱۱ همراه با سرگور اوزلی (Sir Gore Ouseley) جانشین جونز به تهران بازگشتند. این بار پس از یک سفر دریایی طولانی، موریه شرح این مسافرتهارادر دو سفرنامه عالی آکنده از اطلاعاتی در باره ایران و ایرانیان و همراه با نقاشیهایی از خودش، توصیف کرده است. یکی از این نقاشیها «گور مادر سلیمان» را نشان می‌دهد که به تشخیص موریه آرامگاه کورش بزرگ بوده است؛ جایی که دنبال آن می‌گشته‌اند.

موریه ناظری بسیار دقیق بود و از تجربه‌های ایرانی خود در نوشتن داستان «حاجی بابا» بهره گرفت. او ایرانیان را دوست نمی‌داشته و در هر دو کتابش آنان و بویژه میرزا ابوالحسن را که نام (میرزا فیروز) بروی نهاده، مورد تمسخر قرار داده است. از دید او نفوذ پیشوای مذهبی در قم به اندازه‌ای است که «بسیاری بر این باورند که می‌تواند قدرت شاه را نابود کند و رعایای وی را وادار سازد که فرمانهای شاه را بی ارزش شمارند.»^۱ داستانهایی که موریه پس از آن نوشته است، این روزها در اروپا خوانندگان بسیار دارد.

دو تن دیگر از اعضای هیأت اوزلی نیز در باره مأموریت خود کتاب نوشته‌اند: ویلیام پرایس (William Price) و ویلیام اوزلی (W. Ouseley) برادر وزیر مختار که خاورشناسی دانشمند بوده است. شخص اخیر با این باور نادرست که فسادمحل بازار گاد باستانی است و در آن شهر آثار گور کورش را خواهد یافت از شیراز به فسارفت. چند سال بعد یک انگلیسی دیگر به نام رابرت کربورتر (R. Ker Porter) پس از مطالعه دقیق همه آثار کلاسیک در دسترس، محل دقیق بازار گاد را یافت و بدین سان حدسیات جیمز موریه را تأیید کرد.

کربورتر با یک شاهزاده خانم روسی بیوندز ناشویی بسته بود و هنگامی که در روسیه به نقاشی اشتغال داشت از سوی همسرش تشویق شده بود که از ایران دیدن کند و تابلوهایی از تخت جمشید و دیگر بناهای باستانی بکشد. او در سپتامبر ۱۸۱۷ پترزبورگ را ترک کرد و دو سال در ایران ماند و تابلوهایی دقیق از تخت جمشید و دیگر اماکن باستانی کشید. او بعنوان کاشف گور داریوش یکم در نقش رستم و نخستین اروپایی که متوجه نقوش برجسته ساسانی در طاق بستان شده و از محل دور افتاده کاخهای ساسانی و ایلخانی در تخت سلیمان پیرامون یک دریاچه آتشفشانی دیدنی در کردستان دیدن کرده است، شهرت دارد.

کتابهای مصور موریه، اوزلی و پورتر علاوه عمومی را به گذشته باستانی ایران جلب کرد و همچنین اطلاعات باارزشی

زمینه ایرانی، افزون بر آن، روایتی مفصل درباره حضور سه شاهزاده قجر که در ۱۸۳۶ به لندن آمده بودند به رشته تحریر در آورد.

هنری لایارد (H. Layard) که به علت کشفیات باستانی اش در نمرود و نینوا شهرت به دست آورده است، از بسیاری جهات به فریزر شباهت داشت. او ماجراجو و جهانگردی تیزبین بود که استعداد گردآوری اطلاعات و کنجکاوی درباره گذشته و زمان حال را داشت. وی که از زندگی در یک دفتر و کالت دعاوی در لندن حوصله اش سررفته بود، در بیست و دو سالگی تصمیم گرفت بخت خود را در سیلان بجوید، جایی که در آن بستگانی داشت. از این رو و همراه دوستی مسن تر به نام ادوار دمیتفورد به آهستگی در خاور نزدیک و میانه به سفر پرداخت. لایارد می گوید دل بستگی اش به خاور زمین از خواندن کتاب هزار و یک شب در دوران کودکی برانگیخته شده است. رفته رفته که بزرگتر شد، هر کتاب و سفرنامه ای که درباره خاور زمین به دستش می رسید می خواند: کتابهای فریزر (که با او دیدار کرد)، جان مالکوم، موریه و دیگران مانند جیمز باکینگهام بنیانگذار روزنامه کلگتو و کلا دیوس ریچ (C. Rich) نماینده مقیم جوان کمپانی هند شرقی در بغداد که در ۱۸۲۱ از بیماری و بادر شیراز در گذشته و فریزر بر سر گور او مرثیه ای ایراد کرده بود.

لایارد هیچ گاه به سیلان نرسید. به محض اینکه او و میتفورد در نیمه ۱۸۴۰ از بغداد به همدان رسیدند، از یکدیگر جدا شدند. میتفورد راهی سیلان شد و در آنجا به دستگاه اداری پیوست و چند سال بعد باز نشسته شد و شرح جالبی درباره سفرش به ایران نوشت؛ در حالی که لایارد به اصفهان رفت و در آنجا با چند تن از خانهای بختیاری آشنا شد و با کمک آنان بیش از یک سال در دل سرزمین بختیاری به سربرد و رؤسای هر دو شاخه این ایل بزرگ با وی همانند یک مهمان محترم رفتار کردند. سپس به بغداد برگشت و توجه خود را بر کاوشهای باستانی در تپه بزرگی که در سرراش به ایران در نزدیکی دجله دیده بود متمرکز ساخت. بعدها لایارد نماینده در مجلس عوام (از حوزه انتخابیه آیلسبری) و سفیر در ترکیه شد. کتاب ماجراهای اولیه در ایران، عیلام و بابل نوشته او روایتی منحصر به فرد از زندگی در میان بختیارها به دست می دهد.

چنان که پیشتر گفته شد، خطر احتمالی فرانسویان برای هندز مینه ساز بیمان اتحاد ایران و انگلیس موسوم به قرارداد تهران در ۱۸۱۲ شد. یکی از پیامدهای آن، فرستاده شدن هیأتها و مستشاران نظامی از هند و انگلستان به ایران برای آموزش دادن

● **موریه ناظری بسیار دقیق بود و از تجربه های ایرانی خود در نوشتن داستان «حاجی بابا» بهره گرفت. او ایرانیان را دوست نمی داشته و در هر دو کتابش آنان و بویژه میرزا ابوالحسن را که نام «میرزا فیروز» بر وی نهاده، مورد تمسخر قرار داده است.**

پس از شش هفته اقامت در مشهدر هسپار غرب شد و از راه سرزمین بی قانون و ناشناخته تر کمن صحرا به استرآباد (گرگان) رفت و سپس در امتداد ساحل دریای خزر به اردبیل و تبریز و ارومیه سفر کرد. فریزر پس از کمابیش هشت ماه اقامت در ایران در ۱۸۲۳ به خانه اش در بلندیهای اسکاتلند رسید. سپس ده سال بعدی را در رفت و آمد میان اسکاتلند و لندن گذراند و هفت کتاب بزرگ شامل سفرنامه و داستان نوشت که همه آنها، جز یکی، زمینه ایرانی دارد. سفرنامه خراسان در سالهای ۱۸۲۱ و ۱۸۲۲ و سفرها و ماجراها در ایالات ایرانی ساحل جنوبی دریای خزر در برگیرنده اطلاعاتی گرانبها درباره منطقه ای است که در آن هنگام برای دنیای خارج تقریباً ناشناخته بوده است. پس از آن، فریزر دو سفرنامه با عنوان سفر زمستانی از قسطنطنیه به تهران و سفرهایی در کردستان و میانرودان و نقاط دیگر درباره دو زمین مسافر تش به ایران نوشت. چندین سال بعد، این کتابها از آن رو که «تصویری راستین از همه جنبه های زندگی مدرن ایرانی» به دست داده بود مورد ستایش لرد کرزن قرار گرفت.^۵ نخستین داستان تخیلی فریزر به نام قزلباش و دنباله آن به نام ماجراجوی ایرانی نیز که پیرامون زندگی نادر شاه بافته شده و گفته می شود بر پایه ترجمه فریزر از خاطرات یکی از اطرافیان نادر بوده است، خوانندگان بسیار پیدا کرد.

در ۱۸۳۳، لرد پالمرستون (Palmerston) وزیر خارجه بریتانیا که از سیاستهای توسعه طلبانه روسیه به هر اس افتاده بود، از فریزر خواست به ایران و میانرودان سفر کند و درباره فعالیتها و نفوذ روسیه در آن نقاط گزارشی محرمانه بنویسد. فریزر نزدیک به هجده ماه به این مأموریت خسته کننده پرداخت و کمابیش ده هزار میل را بر پشت اسب گذراند. در بازگشت به انگلستان در ۱۸۳۵ دو سفرنامه یاد شده را نوشت، و نیز دو داستان رومانتیک با

آرتور کانالی (A. Conolly) (که بعدها در بخارا کشته شد) و آلکساندر برنز (A. Burnes) (که در ۱۸۴۱ در کابل کشته شد) بوده اند. هر دو توجه خود را به مرزهای شمال خاوری ایران متمرکز ساخته و همانند فریزر در باره عشایر ترکمن در آن منطقه نوشته اند. توجه به این منطقه استراتژیک در سراسر دوران قاجار همچنان پابرجا ماند و در دهه های ۱۸۷۰ و ۱۸۸۰ افسران اطلاعاتی دیگری به آن منطقه سفر کردند. در میان کسانی که بعدها کتاب نوشتند می توان از اچ. سی. مارش (H.C. Marsh)، والسنتاین بیکر (V. Baker)، چارلز مک گریگور (C. MacGregor) و چارلز استوارت (C. Stewart) یاد کرد. داستان سفر به ایالت خراسان و مرز شمال باختری افغانستان نوشته مک گریگور بویژه از لحاظ جزئیات نقشه برداری و توصیف و نقاشیهایش از دژ بزرگ و طبیعی کلات نادری در خور توجه است؛ همان دژی که فریزر بی آنکه آن را ببیند در باره اش نوشته بود به کرزن نیز در ۱۸۸۹ اجازه ورود به آن داده نشده بود.^۷

از کسانی که بیشتر به ایرانیان دلبسته بود تا نقشه برداری از کشورشان و آثار باستانی آن، ادوارد گرانویل براون (E.G. Browne) بود که بعدها بعنوان یک دانشمند ایرانشناس شهرت یافت و چنان محبوبیت و احترامی نزد ایرانیان به دست آورد که هیچ انگلیسی دیگری نتوانسته بود به آن دست یابد. دلبستگی او به ایران، همانند کرزن، از هنگامی که دانش آموز مدرسه آیتون بود، پدید آمد. براون در دانشگاه کمبریج گذشته از پزشکی، زبانهای شرقی را پیش از آنکه در بیست و شش سالگی در ۱۸۷۷ به ایران سفر کند، آموخت. کتاب یک سال در میان ایرانیان او از نظر شناخت شیوه تفکر ایرانیان و ادبیات ایران شباهتی به دیگر سفرنامه‌ها ندارد و پیش در آمد کتابهای بعدی براون در باره تاریخ، ادبیات، مطبوعات و سیاست ایران بوده است.

ارتش ایران و گردآوری اطلاعات زمین شناسی درباره این کشور بود. ستوان هنری پاتینجر (H. Pottinger) (که در ۱۸۴۳ بالقب سرهنری پاتینجر نخستین فرماندار هنگ کنگ شد) در یوشش یک تاجر اسب هندی سر تاسر بلوچستان را گشت و در باره این منطقه ناشناخته کتابی در چهار صد صفحه زیر عنوان مسافرت در بلوچستان و سند نوشت، در حالی که سروان جان مکدونالد کینر (J.M. Kinneir) (که پیشتر به نام سر جان مکدونالد وزیر مختار بریتانیا در ایران در سالهای ۳۰-۱۸۲۶ شناخته می شود) در کتاب یادداشت‌هایی درباره اوضاع جغرافیایی امپراتوری ایران اطلاعاتی را که اعضای گوناگون سومین هیأت زیر نظر مالکوم در ایران در ۱۸۱۰ به دست آورده بودند، گردآوری کرد.

در ۱۸۲۹ دولت ترکیه عثمانی بر پایه پیمان آدریانوپل (ادرنه) بابی میلی بندرهای خود در دریای سیاه را به روی کشتیهای بیگانه گشود و در از مینی به نسبت کوناهای از ترابوزان به تبریز و تهران فراهم کرد. در ۱۸۳۵ هنگامی که هنری الیس (H. Ellis) مأمور شده به مناسبت آغاز سلطنت محمدشاه تبریکات دولت بریتانیا را به وی تقدیم کند، این راه را برگزید. چارلز استوارت (C. Stuart) یکی از اعضای هیأت او، در باره ماجراهای این سفر و شخصیت‌هایی که با آنان دیدار کرده اند و دیگر موضوعات در یادداشت‌های اقامت در شمال ایران نوشته است. کشتی حامل هیأت به نام پلو تو شاید نخستین کشتی بخاری انگلیسی بوده که در ترابوزان لنگر انداخته است. یک سال بعد، آخرین هیأت نظامی انگلیسی که بر پایه مفاد پیمان تهران به ایران می رفت و در برگیرنده هشت سر جوخه تفنگدار به فرماندهی سروان ریچار دویلبراهام (R. Wilberham) بود، همین راه را تا تبریز پیمود. پس از آن، هم ویلبراهام و هم مکدونالد یکی از درجه داران عضو هیأت در باره این سفر کتاب نوشتند. مکدونالد همانند فریزر و بیشتر کسانی که درباره ایرانیان کتاب نوشته اند، درباره شخصیت ملی و رسوم ایرانیان نظر خوبی نداشته اند و آزادانه نظرات انتقاد آمیز خود را به رشته تحریر در آورده اند. با این همه، از دیدیک منتقد ایرانی معاصر، کتاب این سر جوخه فرو دست با عنوان روایت شخصی از سفر نظامی در ترکیه و ایران «بسی بهتر از کتابهایی است که نویسندگان برتر در سده نوزدهم نوشته اند».^۶

مأموریت فریزر در ایران در ۱۸۳۴ یکی از نخستین حرکتهای «بازی بزرگ» بود. کسان دیگری که در همان زمان در این بازی درگیر شدند و شرح سفرهایشان به ایران را نوشته اند، دو تن از افسران کمپانی هند شرقی به نامهای

● کتابهای مصور موریه، اوزلی و پورتر
علاقه عمومی را به گذشته باستانی ایران جلب
کرد و همچنین اطلاعات با ارزشی درباره
یادمانهای تاریخی که اکنون نابود شده است در
اختیار همگان گذاشت.

رسید. سایکس تا ۱۹۱۳ در مشهد ماند [و در این مدت سرگرم خنثی کردن توطئه‌های پرنس دابیتزاسر کنسول روس بود]. او در جریان هر دو مأموریت خود در کرمان و مشهد به سفرهای بسیار رفت که شرح آنها را همراه با مسایل دیگر با دقت فراوان در کتاب ده هزار میل سفر در ایران توصیف کرده است.

سایکس دو کتاب دیگر هم درباره ایران نوشته است: *افتخار عالم تشیع* و دو جلد تاریخ ایران که چندبار مورد بازنگری قرار گرفته و تجدید چاپ شده است و هنوز یکی از کتابهای سودمند درباره تاریخ طولانی ایران به شمار می‌رود. سایکس، برخلاف بسیاری از هم‌میهنانش، ایرانیان را دوست می‌داشت و ستایش می‌کرد.

الاسایکس (Ella Sykes) خواهر سربرسی، در کرمان با او می‌زیست و دو سال بعنوان خانم خانه‌به‌به بر ادرش خدمت می‌کرد. الا همراه او به همه جامی رفت و یکی از انگشت شمار زنان انگلیسی‌ونه نخستین زن بوده که به ایران سفر کرده و مشاهداتش را به رشته تحریر در آورده و منتشر کرده است. در کتاب در سراسر ایران یک وری بر پشت اسب شرح روشنی از زندگی در کرمان و پیرامون آن آمده است. چه بسا او نخستین زن اروپایی بوده که در آنجا دیده شده بوده است.

نخستین زن انگلیسی که درباره ایران نوشت، لئونور اشیل (Leonara Sheil) ایرلندی تبار بود که در ۱۸۴۹ بعنوان نوعروس جاستین شیل وزیر مختار بریتانیا به ایران سفر کرد. کتاب تیزبینانه و پر مایه او بعنوان *نگاهی به زندگی و روشها در ایران* [که در ایران با نام *خاطرات لیدی شیل* منتشر شده است] در برگیرنده داستان جالبی از سفر زن و شوهر جوان از راه آلمان، لهستان، روسیه به تقلیس و ایروان و تبریز باره آهن، کالسکه و تخت‌روان همراه با دوزن خدمتکار ایرلندی، یک آشپز فرانسوی و یک سگ کوچک تری بر اسکاتلندی است. گرچه، بهتر از همه، کتاب خانم بیشاپ (ایزابلا برد - Isabella Bird) است: زنی میانسال، سرکش و بیوه که برای دیدن کوچ زمستانی ایل بختیاری در ژانویه ۱۸۹۰ از بغداد به تهران و سپس به اصفهان رفته و از میان کوهستانهای سخت گذر بختیاری و کردستان گذشته و به دریچه‌وان رسیده و سرانجام از ترابوزان سوار کشتی شده و به انگلستان بازگشته است.

درست برعکس آن، سفرنامه لیدی الادیوراند (E. Durand) بعنوان گردش پاییزی در غرب ایران است که نه سال بعد همراه با همسرش که در آن هنگام وزیر مختار بریتانیا در ایران بوده به سفر پرداخته است. در این سفر یک مستخدمه شخصی و انبوهی آشپز و نوکر خواسته‌های او را بر آورده

یک سال پس از عزیمت براون، کرزن که در آن هنگام عضو جوان مجلس عوام بود در ایران شد. سال پیش از آن، او یکی از نخستین کسانی بود که باره آهن نوساز ماوراء خزر سفر کرده و به این نتیجه رسیده بود که آن راه آهن کنترل عملی بر خراسان را در اختیار روسیه می‌گذارد. اینک، با این هدف که اوضاع ایران را برای خودش مطالعه کند (و چندمقاله برای روزنامه تایمز لندن بنویسد) از درپشتی به ایران پانهاد و یک بار دیگر در قطار ماوراء قفقاز نشست و از پایانه آن کناره خاوری دریای مازندران رهسپار عشق آباد در ترکمنستان زیر اشغال روسیه شد. در آن شهر چند اسب کرایه کرد و از مرز قوچان وارد خاک ایران و سپس راهی مشهد و تهران شد. خواندن کتاب دو جلدی ایران و قضیه ایران او نه تنها بعنوان یک سفرنامه مصور بلکه به علت پرداختن موشکافانه آن به تاریخ کشور، دولت و آثار تاریخی آن برای هر پژوهنده در زمینه ایران قاجاری لازم است.

پرسی سایکس (Percy Sykes) از ناظران پرشور صحنه ایران بود. او بعنوان یک افسر سوار نظام انگلیس مقیم هند در ۱۸۹۳ سفری پر دامنه به ایران کرد و بار دیگر در ۱۸۹۴ به گردآوری اطلاعات برای سازمان جاسوسی انگلیس در هند پرداخت. تصمیم حکومت هند به گشایش کنسولگری در کرمان و گماردن سایکس بعنوان نخستین کنسول در آن شهر، بخشی از بازی پیشی جستن از روسها در منطقه ای بود که چه از دید منافع استراتژیک و چه از دید بازرگانی برای حکومت انگلیسی هند اهمیت داشت. سایکس با دست کشیدن از خدمت نظامی، در اوایل ۱۸۹۵ به کرمان رفت و ده سال در آن شهر ماند و سپس به سر کنسولی بریتانیا در مشهد که مهمترین پایگاه شنود بریتانیا در کنار مرز روسیه در آسیای مرکزی بود،

● خطر احتمالی فرانسویان برای هند

زمینه ساز پیمان اتحاد ایران و انگلیس موسوم به قرارداد تهران در ۱۸۱۲ شد. یکی از پیامدهای آن، فرستاده شدن هیاتها و مستشاران نظامی از هند و انگلستان به ایران برای آموزش دادن ارتش ایران و گردآوری اطلاعات زمین شناسی درباره این کشور بود.

می ساخته‌اند.

بسیاری کسان دیگر هم بوده‌اند که درباره سفرهایشان به ایران نوشته‌اند و در این نوشتار کوتاه‌نامی از آنان به میان نیامده است: افسرانی از هند مانند توماس لامسدن (T. Lumsden) و جان جانسون (J. Johnson)؛ کارمندان کشوری حکومت هند مانند رابرت بنینگ (R.B.M. Binning) (که کرزن کتاب او را «آخرین کتاب بهر استی خوبی که در باره ایران نوشته شده است» می‌داند) و ادوارد استاک (E. Stack)؛ مبلغان مذهبی مانند جوزف وولف (J. Wolff) و هنری استرن (H.A. Stern) که هر دو خارجی بودند ولی به تابعیت انگلستان در آمده بودند؛ دیپلماتهایی مانند ادوارد ایستویک (E.B. Eastwick)؛ کسانی که دست‌اندر کار تعیین مرز و کشیدن خط تلگرافی هند و اروپا بودند، مانند فردریک گلد اسمید (F.J. Goldsmid) و ارنست فلایر (E.A. Floyer)؛ و مسافران عادی همچون جواشیم استاکلر (J.H. Stocqueler)، آر تور آر نولدوساویچ-لندور (A.H. Savage-Landor).

اینان و بسیاری کسان دیگر که نامشان در اینجا نیامده است، کمک‌فروانی به دانش و آگاهی غرب از ایران کرده‌اند و با همه غرض‌ورزی‌هایشان، منبع گرانبهایی از اطلاعات درباره ایران در دوران قاجار از خود به جا گذاشته‌اند.

فهرست سفرنامه‌ها و کتابهایی که مأموران سیاسی و اطلاعاتی و مسافران عادی انگلیسی در سده نوزدهم و اوایل سده بیستم درباره ایران نوشته‌اند:

- آر مسترانگ، تی. بی. خاطرات سفر به میدانهای جنگ اخیر و سیه و ترکیه، لندن ۱۸۳۱
- آر نولد، آر تور، مسافرت در سرتاسر ایران با کاروان ۲ جلد، لندن ۱۸۷۷
- آلکوک، توماس، مسافرت‌هایی در روسیه، ایران، ترکیه و یونان در سالهای ۲۹-۱۸۲۸، لندن ۱۸۳۱
- استاک، ادوارد، شش ماه در ایران، ۲ جلد، لندن ۱۸۸۲
- استاکلر، جواشیم هیوارد، پانزده ماه سفر زیارتی در جاده‌های مالرو خوزستان و ایران در سالهای ۳۲-۱۸۳۱، ۲ جلد، لندن ۱۸۳۲
- استرن، هنری، غروب آفتاب در شرق، با یادداشت‌های توراتی، تاریخی و آماری درباره اشخاص و اماکن که در خلال مأموریتی نزد یهودیان ایران و کردستان و میانروان تهیه شده است، لندن ۱۸۵۴
- استیوارت، چارلز ادوارد، در سراسر ایران بالباس

● از کسانی که بیشتر به ایرانیان دلبسته بود تا نقشه برداری از کشورشان و آثار باستانی آن، ادوارد گرانویل براون (E.G. Browne) بود که بعدها بعنوان یک دانشمند ایرانشناس شهرت یافت و چنان محبوبیت و احترامی نزد ایرانیان به دست آورد که هیچ انگلیسی دیگری نتوانسته بود به آن دست یابد. دلبستگی او به ایران، همانند کرزن، از هنگامی که دانش آموز مدرسه ایتون بود، پدید آمد.

مبدل، لندن ۱۹۱۱

- استوارت، چارلز، یادداشت‌های اقامت در شمال ایران و ایالات مجاور آن در ترکیه، لندن ۱۸۵۴
- اوزلی، سرویلیام، مسافرت در کشورهای گوناگون شرقی بویژه ایران، ۳ جلد، لندن ۲۳-۱۸۱۹
- ایستویک، ادوارد، خاطرات سه سال اقامت یک دیپلمات در ایران، ۲ جلد، لندن ۱۸۶۱
- باکینگهام، جورج سیلک، سفرهایی به آشور، ماد و پارس، لندن ۱۸۲۹
- براون، ادوارد. ج.، انقلاب ایران ۱۹۰۹-۱۹۰۶، لندن ۱۹۱۰ (به فارسی ترجمه شده است)
- تاریخ ادبی ایران، ۴ جلد، کمبریج ۱۹۲۴-۱۹۰۲ (به فارسی ترجمه شده است)
- یک سال در میان ایرانیان، لندن ۱۸۹۳ (به فارسی ترجمه شده است)
- شرح مختصری از رویدادهای اخیر ایران، لندن ۱۹۰۹
- تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ۳ جلد، کمبریج ۱۹۱۴ (به فارسی ترجمه شده است)
- برنز، آلکساندر، سفر بخارا، ۳ جلد، لندن ۱۸۳۴
- بریجز، سرهارفورد جونز، شرح مذاکرات سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در دربار ایران در سالهای

- ساویج-لندور، آر نولد، از این سو به آن سوی سرزمین مورد طمع، ۲ جلد، لندن ۱۹۰۲
- سایکس، الاکنستانس، ایران و مردمان آن، لندن ۱۹۱۰
- داستان‌های شاهنامه یا افسانه‌های کهن ایران، لندن ۱۹۰۱
- سرتاسر ایران یک وری بر پشت اسب، لندن ۱۸۹۸
- سایکس، سربرسی، ده هزار میل مسافرت در ایران، لندن ۱۹۰۲ (به فارسی ترجمه شده است)
- افتخار عالم تشیع، لندن ۱۹۱۰ (به فارسی ترجمه شده است)
- تاریخ ایران، ۲ جلد، لندن ۱۹۱۵ (به فارسی ترجمه شده است)
- شیل، مری لئونورا، نگاهی به زندگی و روش‌ها در ایران، لندن ۱۸۵۶ (با عنوان خاطرات لیدی شیل به فارسی ترجمه شده است)
- فلایر، ارنست، بلوچستان کشف نشده، لندن ۱۸۹۲.
- فاولر، جورج، سه سال در ایران با ماجراهای سفر به کردستان، ۲ جلد، لندن ۱۸۳۸
- فریزر، جیمز بیلی، سفر زمستانی از قسطنطنیه به تهران، ۲ جلد، لندن ۱۸۳۸ (به فارسی ترجمه شده است)
- علی نیمرو ماجراجوی بختیاری، داستانی از لرستان، ۳ جلد، لندن ۱۸۴۲ (داستان تخیلی)
- شرح مسافرت به خراسان در سالهای ۱۸۲۱ و ۱۸۲۲، لندن ۱۸۲۵
- روایت تاریخی و توصیفی ایران از نخستین دورانها تا زمان حاضر، ادینبورگ ۱۸۳۴
- داستان اقامت شاهزادگان ایرانی در لندن و ماجراهای متعاقب آن، ۲ جلد، لندن ۱۸۳۸
- قصه‌های کاروانسرای؛ داستان خان، فیلا دلفیا، ۱۸۳۳ (داستان تخیلی)
- عقاب سیاه؛ داستان ترکمنی، لندن ۱۸۴۴ (داستان تخیلی)
- قزلباش، داستان خراسانی، ۳ جلد، لندن ۱۸۲۸ (داستان تخیلی)
- ماجراجوی ایرانی، ۳ جلد، لندن ۱۸۳۰ (داستان تخیلی)
- مسافر تنها و ماجراها در ایالات ایرانی در کرانه جنوبی دریای مازندران، لندن ۱۸۲۶
- سفرهایی در کردستان، میانرودان و نقاط دیگر

● پرسی سایکس (Percy Sykes) از ناظران پر شور صحنه ایران بود. او بعنوان یک افسر سوار نظام انگلیس مقیم هند در ۱۸۹۳ سفری پر دامنه به ایران کرد و بار دیگر در ۱۸۹۴ به گردآوری اطلاعات برای سازمان جاسوسی انگلیس در هند پرداخت. تصمیم حکومت هند به گشایش کنسولگری در کرمان و گماردن سایکس بعنوان نخستین کنسول در آن شهر، بخشی از بازی پیشی جستن از روسها در منطقه‌ای بود که چه از دید منافع استراتژیک و چه از دید بازرگانی برای حکومت انگلیسی هند اهمیت داشت.

- ۱۸۱۱-۱۸۰۷، لندن ۱۸۳۴
- بینینگ، رابرت، یادداشتهای سفر به ایران و سیلان و نقاط دیگر، ۲ جلد، لندن ۱۸۵۷
- بیشاپ، ایزابلا، مسافرت به ایران و کردستان، ۲ جلد، لندن ۱۸۹۱
- بیکر، والتین، ابرهایی در شرق، لندن ۱۸۷۶
- پاتینجر، هنری، مسافرت در بلوچستان و سند، لندن ۱۸۱۶ (به فارسی ترجمه شده است)
- پرایس، ویلیام، یادداشتهای روزانه سفارت انگلیس در ایران، لندن ۱۸۳۲
- پورتر، رابرت کر، مسافرت در گرجستان، ایران، ارمنستان، بابل قدیم و نقاط دیگر در سالهای ۱۸۱۷، ۱۸۱۸، ۱۸۱۹ و ۱۸۲۰، ۲ جلد، لندن ۱۸۲۱
- جانسون، جان، سفر به انگلستان از راه ایران، گرجستان، روسیه و لهستان و پروس در سال ۱۸۱۷، لندن ۱۸۱۸
- دیوراند، لیدی الا، گردش پاییزی در غرب ایران، لندن ۱۹۰۲
- ریچ، کلادیوس، تفصیل اقامت در کردستان و شرح دیدار از شیراز و تخت جمشید، ۲ جلد، لندن ۱۸۳۶

- ۱۸۲۴ (داستانی تخیلی که به فارسی ترجمه شده است)
- ماجراهای حاجی بابا در انگلستان، ۲ جلد، لندن
 - ۱۸۲۸ (داستانی تخیلی که به فارسی ترجمه شده است)
 - میرزا، ۳ جلد، لندن ۱۸۴۱ (داستان تخیلی)
 - سهراب گروگان، ۳ جلد، لندن ۱۸۳۲ (داستان تخیلی)
 - والتسون، رابرت گرانث، تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا ۱۸۵۸، لندن ۱۸۶۶ (به فارسی ترجمه شده است)
 - وارینگ، ادوارد، سفری به شیراز از راه کازرون و فیروزآباد، لندن ۱۸۰۷
 - ویلبراهام، ریچارد، مسافرت در ایالات ماوراء قفقاز متعلق به روسیه تا کرانه‌های جنوبی دریاچه وان و ارومیه در پاییز و زمستان ۱۸۳۷، لندن ۱۸۳۹
 - ولف، جوزف، شرح مأموریت در بخارا در سالهای ۱۸۴۳-۴۵، ۲ جلد، لندن ۱۸۴۵
 - سفرها و ماجراهای جوزف ولف، به کوشش آلفرد گتی، لندن ۱۸۶۱
 - هالینگبری، ویلیام، روزنامه سفر هیئت سر جان مالکوم به دربار ایران در سالهای ۱۷۹۹، ۱۸۰۰ و ۱۸۰۱، کلکته ۱۸۱۴ (به فارسی ترجمه شده است)

پانویس‌ها

۱. نگاه کنیده به کتاب‌های: E. Ehlers, *Iran, a Bibliographic Research Survey*, Munich 1980 and Shoko Okazaki and Kinji Eura, *Bibliography on Qajar Persia*, Osaka, 1985
۲. برای نمونه نگاه کنیده به: J.A. Lerner, "British Travellers' Accounts as a Source for Qajar Shiraz", *Bulletin of the Asia Institute*, Pahlavi University, Shiraz 1976, No. 1-4.
۳. نگاه کنیده به کتابشناسی آخر مقاله که شامل سفرنامه‌ها و دیگر کتابها درباره ایران است و نگارنده شخصاً گردآورده است.
۴. جیمز موریه، ماجراهای حاجی بابای اصفهانی، لندن ۱۸۲۴، صفحه ۳۲۶
۵. جورج ناتانیل کرزن، ایران و قضیه ایران، ۲ جلد، لندن ۱۸۹۲، جلد یکم، صفحه ۲۴
۶. سیروس غنی، ایران و غرب: کتاب‌شناسی انتقادی، لندن ۱۹۸۷، صفحه ۲۳۲
۷. کرزن، پیشین، جلد دوم، صفحه ۲۲

- شامل توصیف بخشهایی از این سرزمینها که هنوز ارو پاییان کشف نکرده‌اند، ۲ جلد، لندن ۱۸۴۰
- کانامی، آرتور، سفر زمینی از انگلستان به شمال هند از راه روسیه، ایران و افغانستان، ۲ جلد، لندن ۱۸۳۴
 - کرزن، جورج ناتانیل، ایران و قضیه ایران، ۲ جلد، لندن ۱۸۹۲ (به فارسی ترجمه شده است)
 - گلداسمید، فردریک جان، ایران شرقی: شرح مسافرت هیئت مرزی ایران در سالهای ۷۲-۱۸۷۰، ۲ جلد، لندن ۱۸۷۶
 - تلگراف و مسافرت: شرح تأسیس و گسترش ارتباطات تلگرافی بین انگلستان و هند، لندن ۱۸۷۴
 - لاهسدن، توماس، مسافرت از میرات در هند تا انگلستان از راه افغانستان، ایران، ارمنستان، گرجستان، روسیه، اتریش، سوئیس و فرانسه در سالهای ۲۰-۱۸۱۹، لندن ۱۸۲۲
 - لایارد، هنری، ماجراهای اولیه در ایران، عیلام و بابل، ۲ جلد، لندن ۱۸۸۷ (به فارسی ترجمه شده است)
 - مارش، هیپیسلی کانلیف، سفری به دیار اسلام: مسافرت به ایران و افغانستان و هند از راه مشهد، هرات و قندهار، لندن ۱۸۷۷
 - مالکوم، سر جان، تاریخ ایران، ۲ جلد، لندن ۱۸۱۵ (به فارسی ترجمه شده است)
 - طرحهایی از ایران، ۲ جلد، لندن ۱۸۲۸
 - مانی، رابرت کاتن، خاطره‌هایی از یک گردش در ایران در سالهای ۱۸۲۴ و ۱۸۲۵، لندن ۱۸۲۸
 - مکدونالد، رابرت، روایت شخصی از سفر نظامی در ترکیه و ایران، لندن ۱۸۵۹
 - مکدونالد کینر، جان، یادداشت‌هایی درباره اوضاع جغرافیایی امپراتوری ایران، لندن ۱۸۱۳
 - مک‌گریگور، چارلز، شرح مسافرت در ایالت خراسان و سرحد شمال غربی افغانستان در سال ۱۸۷۵، ۲ جلد، لندن ۱۸۷۹
 - موریه، جیمز، مسافرت در ایران، ارمنستان و آسیای صغیر تا قسطنطنیه در سالهای ۱۸۰۸ و ۱۸۰۹، لندن ۱۸۱۲
 - دومین مسافرت به قسطنطنیه از راه ایران، ارمنستان و آسیای صغیر در سالهای ۱۸۱۰ و ۱۸۱۶، لندن ۱۸۱۸
 - سلیمان، یک داستان ایرانی، لندن ۱۸۱۷ (داستان تخیلی)
 - سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، ۳ جلد، لندن